

علم أصول الفقه

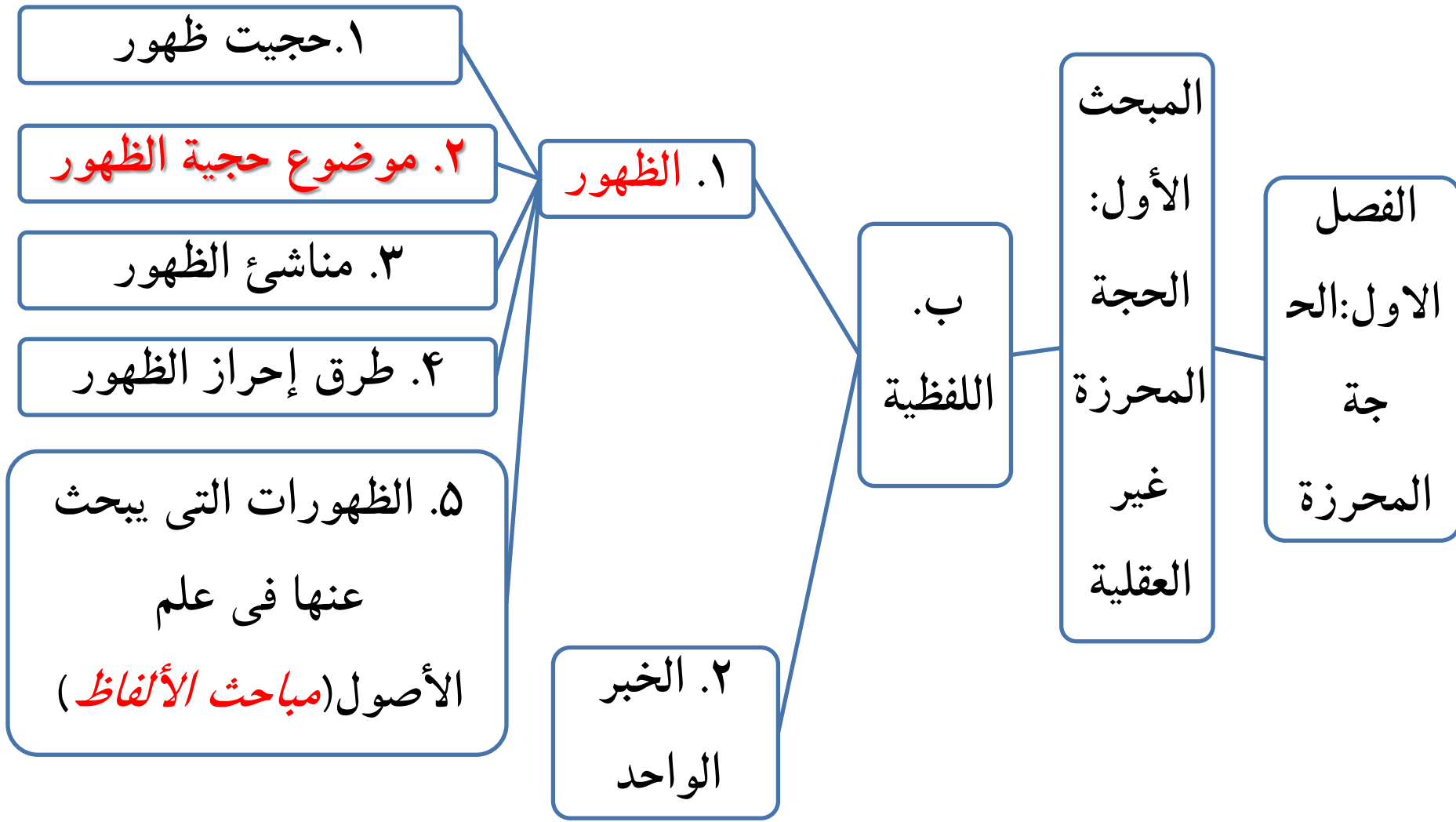
٥١

١٨-١١-٩٣ ظهور

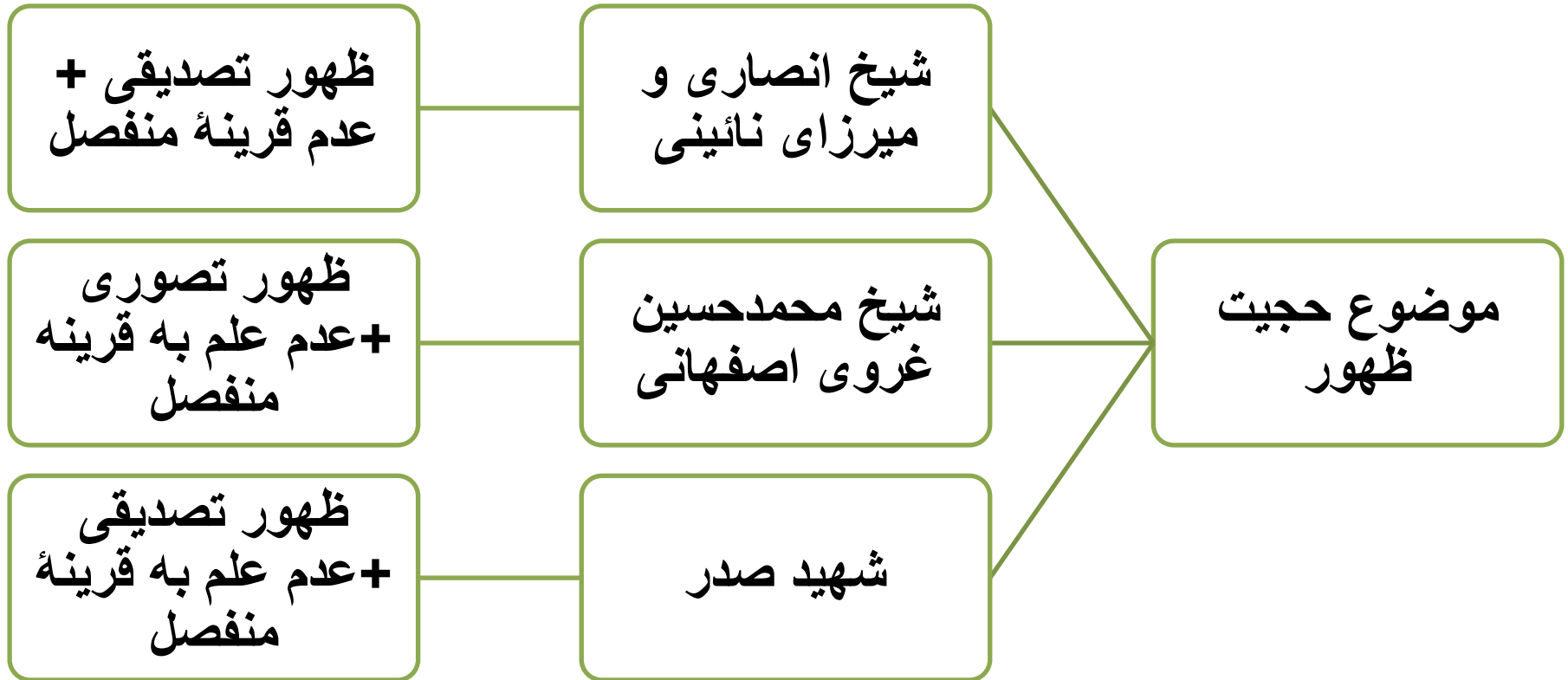
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

امساک و ارسال رحمت از جانب الله

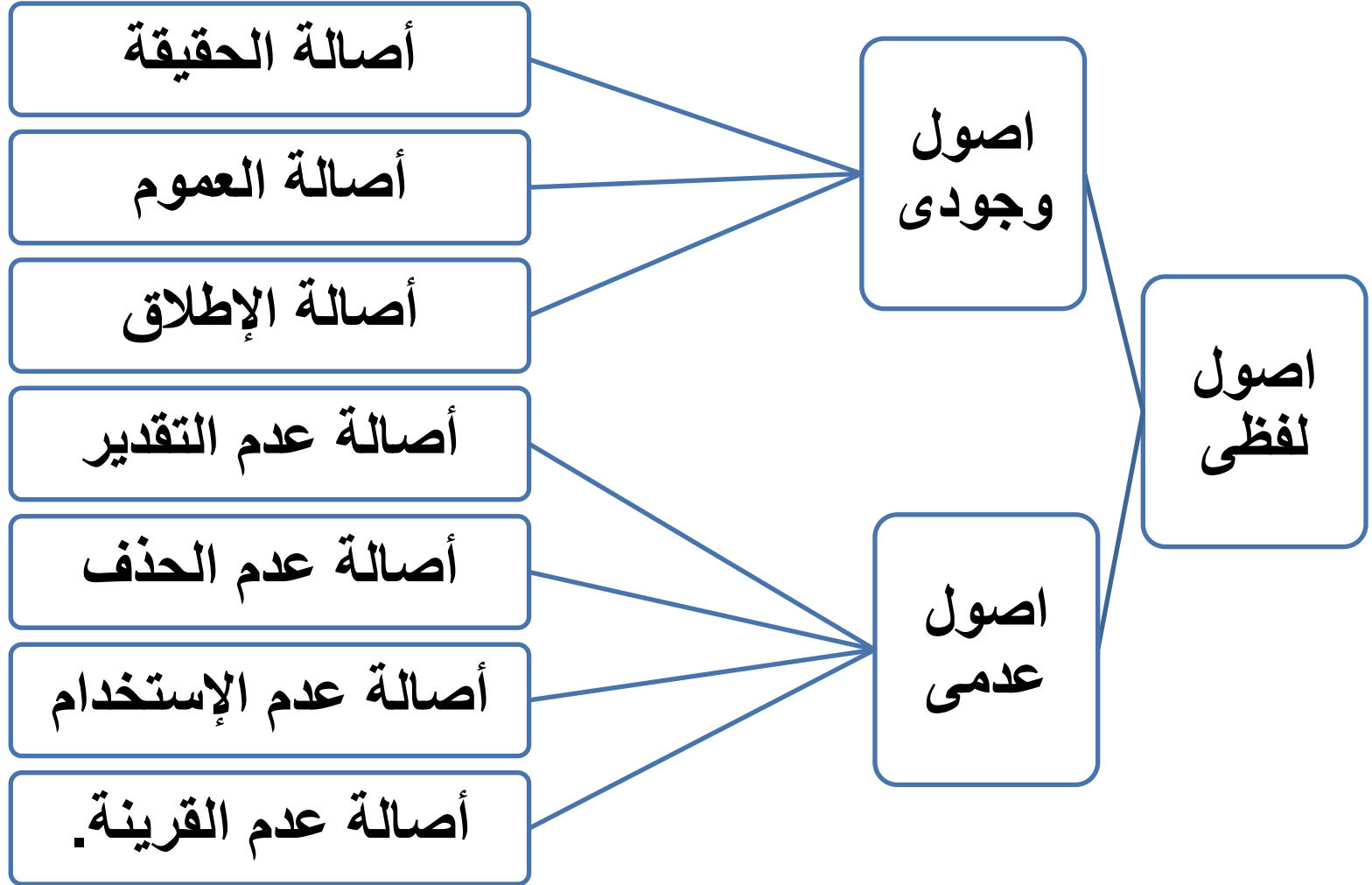
- مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٢)



دیدگاه‌های مختلف در موضوع حجیت ظهور



رابطه أصالة الظهور با ساير اصول لفظی



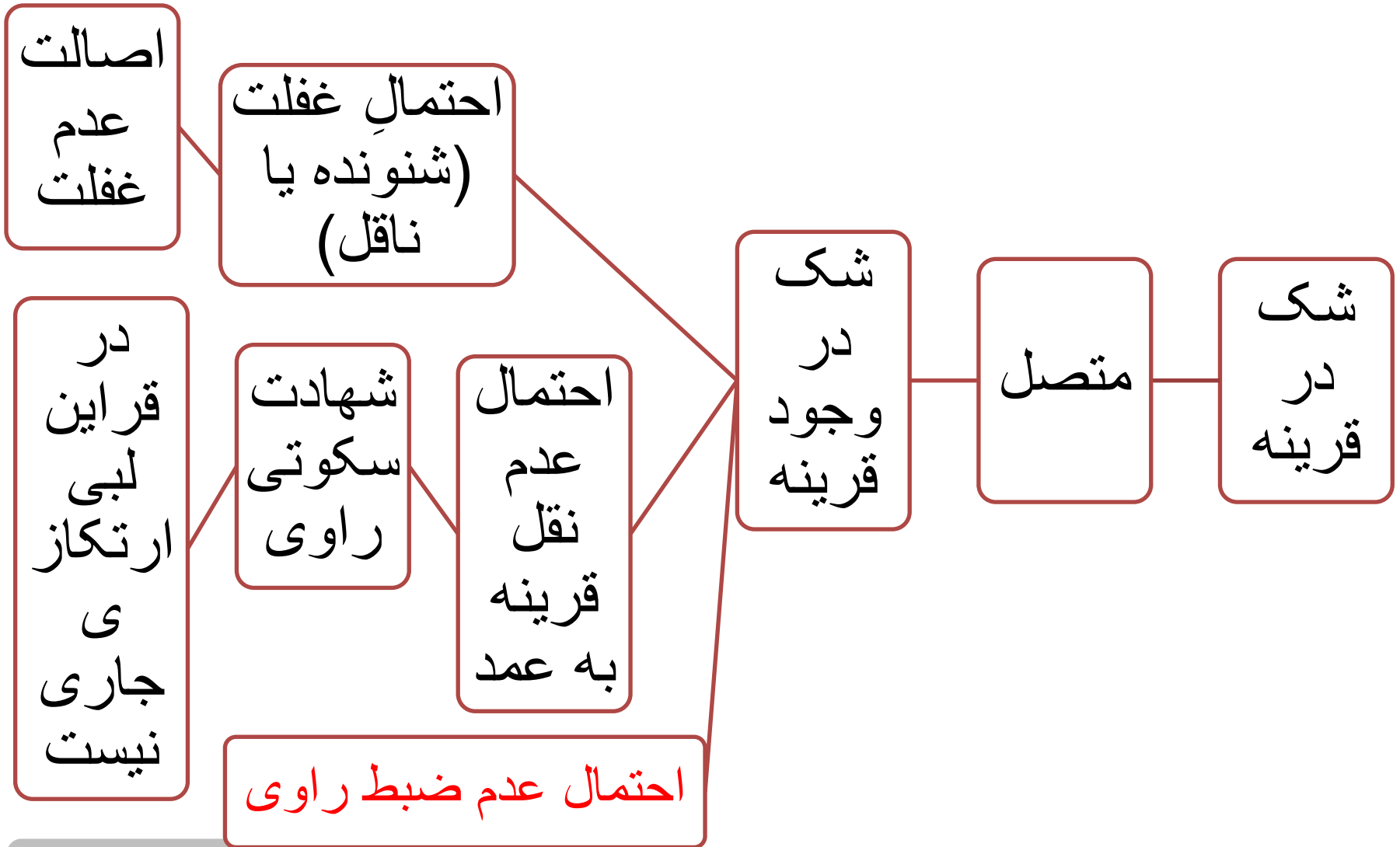
رابطه اصالت ظهور با سایر اصول لفظی

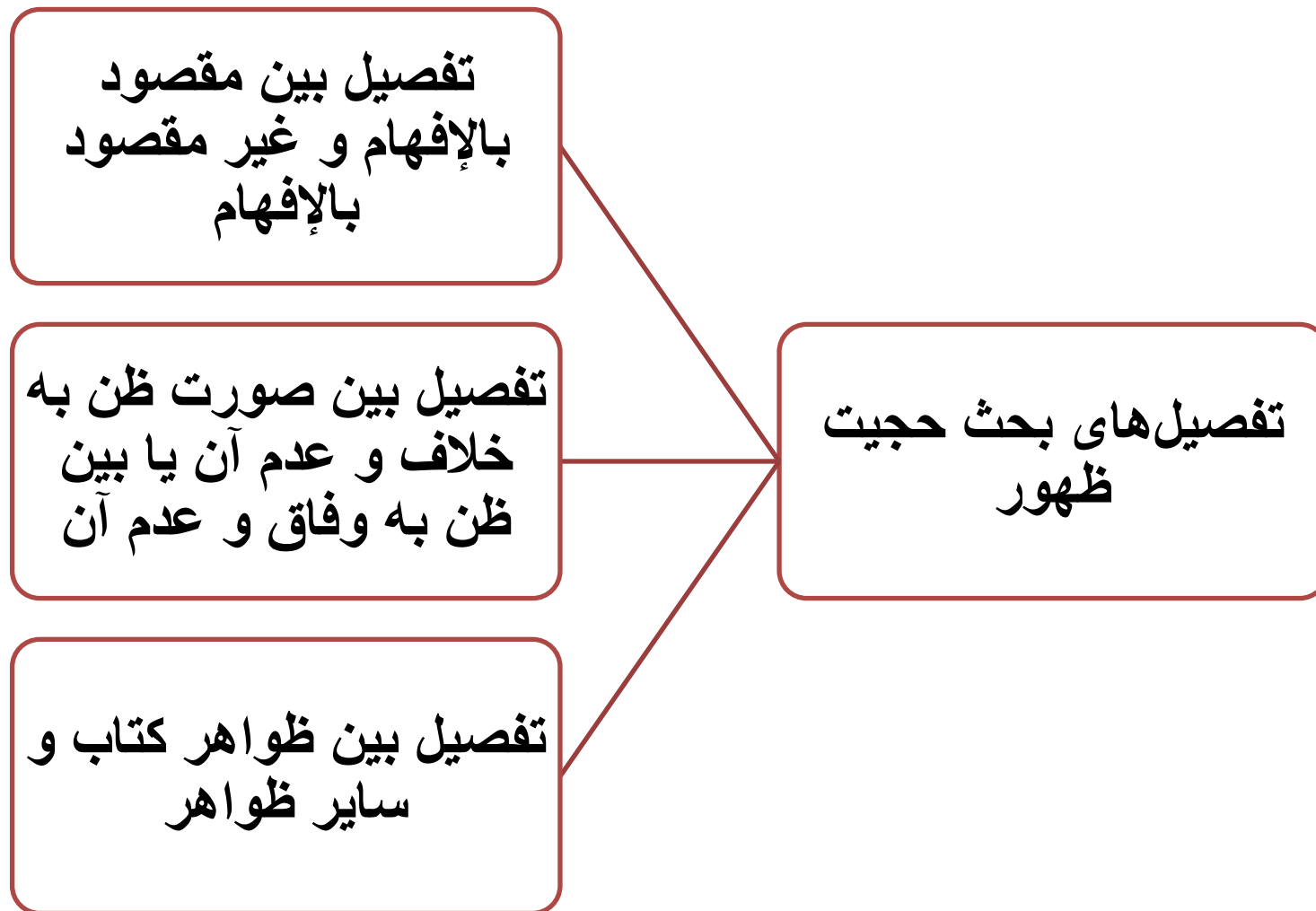
بازگشت تمام اصول لفظیه به
اصالت ظهور

بازگشت اصول وجودی حتی
اصالت ظهور به اصول عدمی

بازگشت همه اصول به اصالت
ظهور به غیر از اصالت عدم
قرینه متصل

رابطه اصالت ظهور
با سایر اصول لفظی





فصل ششم: تفصیل‌های بحث حجیت ظهور

- فصل ششم: تفصیل‌های بحث حجیت ظهور
- ۱. تفصیل بین مقصود بالافهام و غیر مقصود بالافهام
- یکی از تفصیل‌ها در حجیت ظهور تفصیل میرزای قمی رضوان الله علیه است که می‌گوید **ظهور برای کسی حجت است که متکلم قصد فهماندن کلام به او را دارد** و برای کسی متکلم قصد فهماندن کلام به او ندارد، حجت نیست؛ مثلاً وقتی دو نفر با هم صحبت می‌کنند و یکی از آن‌ها به دیگری مطلبی را می‌گوید و می‌خواهد با گفتن، این مطلب را به او بفهماند، ظهور این کلام برای آن مخاطب مقصود بالافهام، حجت است؛ اما نفر سومی که کنار آن دو ایستاده است و صدای این متکلم را می‌شنود و از این کلام ظهوری به دست می‌آورد، این ظهور برای وی حجت نیست؛ زیرا او در این کلام مقصود بالافهام نیست.

فصل ششم: تفصیل‌های بحث حجیت ظهور

- ممکن است این تفصیل را به این صورت بیان کنیم که وقتی متکلم قصدش، فهماندن کلامش به یک شخص خاص است، سخن را طوری بیان می‌کند که او بفهمد و شاید بین این متکلم و آن شخص مخاطب که مقصود بالافهام است، رموز یا مطالب ارتکازی یا نکته‌های مشترکی باشد که باعث می‌شوند که فقط این مخاطب بفهمد که این متکلم چه می‌خواهد بگوید و ممکن است کسی که از این رموز، ارتکازات و امور مشترک مطلع نیست، چیزی را بفهمد که مقصود متکلم نباشد.

فصل ششم: تفصیل‌های بحث حجیت ظهور

- بنابراین نمی‌تواند با مطلبی که می‌فهمد با آن متکلم احتجاج کند و بگوید تو چنین گفتی، پس مقصودت این است. بخلاف فردی که مقصود با‌الفهام بوده است. او می‌تواند بگوید تو این را گفتی، پس مقصودت همین بوده است.

فصل ششم: تفصیل‌های بحث حجیت ظهور

- شهید صدر رضوان الله علیه می‌گوید این‌ها دو بیان دو تقریر از بحث است؛ اما به نظر ما این‌گونه نیست. فقط تغییر در تعبیر است؛ زیرا عمده دلیل بر حجیت ظهور سیره و ارتکاز عقلا بود. عقلا ظهور کلام را برای شخص مقصود بالافهام حجت می‌بینند و معلوم نیست برای شخصی که مفهوم بالافهام نیست، حجت بدانند.
- چرا ممکن است عقلا این را حجت ندانند؟ چون شاید رمز و رازی بین متکلم و مخاطب مقصود بالافهام باشد که فرد غیر مقصود بالافهام از آن‌ها اطلاعی نداشته باشد. در نتیجه چیزی که او می‌فهمد با چیزی که مقصود متکلم مغایر باشد.

پاسخ اصولی‌ها به تفصیل اول

- پاسخ اصولی‌ها به تفصیل اول
- در پاسخ به این تفصیل خیلی از اصولی‌ها گفته‌اند معیار حجیت ظهور بنا و ارتکاز عقلا است و بنا و ارتکاز عقلا هیچ فرقی بین مقصود بالافهام و غیر مقصود بالافهام قائل نیست؛

پاسخ اصولی‌ها به تفصیل اول

- برای مثال من الآن این مطالب درسی را برای دوستانی می‌گویم که در این کلاس جمع هستند. مقصودین بالفهم من همین دوستان هستند. فعلاً نمی‌خواهم این مطالب را برای آقایانی که در حیاط ایستاده‌اند یا مردمی که در خیابان هستند، بیان کنم.
- حال فرض کنید که صدای این بلندگوی ما تا داخل خیابان هم می‌رسد. دوستانی که در کلاس هستند از این عبارات معنایی می‌فهمند و در حقیقت این عبارات ظهوری برای آنها دارد. برای آن‌هایی که در حیاط هستند هم ظهوری پیدا می‌شود. همچنین در ذهن کسانی که در خیابان هستند، نیز معنایی می‌آید.

پاسخ اصولی‌ها به تفصیل اول

- همة این افراد، وقتی معنایی را از این کلام می‌فهمند، آن معنا را بر عهده متکلم می‌گذارند؛ چه مقصودین بالافهام و چه غیر ایشان؛ چه آن‌ها که به لحاظ ملاک مشترک‌اند مثل طلبه‌هایی که در حیاط هستند. آن‌ها با این دوستانی که در اینجا هستند در ملاک مثلاً طلبه بودن و درس خارج خوان بودن مشترک‌اند و چه کسانی که به لحاظ ملاک مشترک نیستند مثل مردم عادی در خیابان.

پاسخ اصولی‌ها به تفصیل اول

- به همین جهت اگر بیرون از مدرسه مغازه‌داری که صدای ما را شنیده است، می‌گفت امروز موضوع بحثتان حجیت ظهور بود، معلوم می‌شود که این جمله ما را فهمیده است که گفتیم امروز بحث ما در حجیت ظهور است. بنابراین کسی که در حیاط یا در خیابان است، نمی‌گوید که فلانی که برای من درس نمی‌گوید، پس نمی‌توانم بگویم مقصودش از این عبارات چیست، بلکه درباره عبارت‌های من قضاوت می‌کند و مفاهیمی را که می‌فهمد، به من انتساب می‌دهد و بر عهده من می‌گذارد.

پاسخ اصولی‌ها به تفصیل اول

- اصلاً به ذهنش خطور نمی‌کند که من مقصود بالافهام نبودم و شاید بین این آقا و آن جمع طلاب درس رمز و رازی هست و شاید از کلامش مقصود دیگری غیر از چیزی که به ذهن من می‌آید، اراده کرده باشد.

مثالی به عنوان شاهد بر بطلان تفصیل اول

- مثالی به عنوان شاهد بر بطلان تفصیل اول
- فرض کنید دو نفر در یک اتاق در بسته‌ای با همدیگر صحبت می‌کنند و صدایشان در اتاق دیگری قابل شنیدن است یا توسط یک میکروفن ضبط می‌شود. یکی از آن دو به دیگری می‌گوید که من فلان جرم را انجام دادم.

مثالی به عنوان شاهد بر بطلان تفصیل اول

- در این فرض برداشت مخاطب از این سخن شخص حجت است؛ هم برای کسانی که خارج از این اتاق هستند و صدای وی را می شنوند و هم برای کسی که در مقابل او است و این کلمات را به او می گوید.
- این احتمال که شاید مرادش چیزی غیر از ظاهر این کلام باشد، باعث نمی شود که عقلا از حجیت برداشتشان از این کلام دست بردارند.

مثالی به عنوان شاهد بر بطلان تفصیل اول

- مقصودمان از کسانی است که مقصود بالافهام نیستند، اعم است از کسانی که من اصلاً قصد ندارم که آنها بفهمند یا قصد دارم که آنها نفهمند.
- قدر مشترکش این است که من قصد تفهیم به هر دو گروه را ندارم؛ مثلاً در مثال قبل قصدم این است که افراد این درس، این بحث را بفهمند؛ ولی برای مهم نیست که دیگران می‌فهمند یا می‌فهمند نه اینکه قصد داشته باشم آن دیگران نفهمند

مثالی به عنوان شاهد بر بطلان تفصیل اول

- باید توجه داشت که این برخورد عقلانی با کلام در فضای زبانی واحد بحث می‌کنیم. پس کسی که با زبانی آشنا نباشد و مقصود بالافهام نیست، نمی‌تواند برداشت‌هایی را که بر اساس زبان خودش از کلام گوینده دارد، بر عهده وی بگذارد؛

مثالی به عنوان شاهد بر بطلان تفصیل اول

- برای مثال من فارس یا عرب به سخن کسی گوش می‌دهم که به زبان اردو صحبت می‌کند و وی لفظ عورت را به کار می‌برد.
- عورت در اصطلاح فارسی یا عربی یک معنای خاصی دارد و در اردو به معنای زن است.
- در اینجا من نمی‌توانم بگویم مقصود متکلم از کلمة عورت همان معنایی است که در فارسی یا عربی وجود دارد. در حقیقت حیثیت عقلائی من اجازه نمی‌دهد که الفاظ او را بر اساس زبان دیگری تفسیر کنم.

پاسخ امام رضوان الله عليه به یک شبهه

- پاسخ امام رضوان الله عليه به یک شبهه
- در پاسخ به تفصیل میرزای قمی رضوان الله عليه حضرت امام رضوان الله عليه مانند خیلی از اصولی‌ها فرمودند دلیل حجیت ظهور بنای عقلا است و عقلا فرقی بین مقصود بالافهام و غیر مقصود بالافهام قائل نیستند.

پاسخ امام رضوان الله عليه به یک شبهه

- علاوه بر این پاسخ این نکته در کلام امام رضوان الله عليه وجود دارد که بر فرض صحت کلام میرزای قمی رضوان الله عليه مشکلی در مباحث دینی مواجه نخواهیم شد؛ چون در مورد روایات اگرچه امام صادق علیه السلام این مطلب را به زراره بیان فرمود، ما یقین داریم که قصدشان بیان حکم فقط برای زراره نبوده است، بلکه برای همه مردم حکم را بیان کرده است؛ زیرا مسئولیت حضرت بیان حکم شرعی برای همه است. بنابراین حتی اگر فقط زراره مخاطب باشد، فقط زراره مقصود بالافهام نیست.

پاسخ امام رضوان الله عليه به یک شبهه

- امام رضوان الله عليه به عنوان مؤید می فرمایند در بعضی از روایات خودِ راوی سؤال کننده نیست، بلکه کسی دیگر از امام علیه السلام سؤالی می پرسد. بعد حضرت به سائل چنین جواب می دهد. با اینکه راوی اینجا مخاطب امام نیست، این مطلب را برای بقیه نقل می کند.

پاسخ امام رضوان الله عليه به یک شبهه

- اگر راوی احتمال می داد که این فهم حاصل از این عبارت امام علیه السلام برای خودش و دیگران حجت نباشد و احتمال می داد که شاید حضرت یک چیزی را حذف کرده و مطلبی غیر از این چیزی را که وی از این عبارت می فهمد، قصد کرده است، چرا این عبارت را نقل می کند؟ این نقل او به این سبب است که یقین دارد حضرت حکم را برای همه بیان می کند و فقط حکم فرد سائل نیست.
- پذیرنده این تفصیل در مورد قرآن با مشکل کمتری مواجه است؛ چون به یقین مخاطب قرآن همه مردم اعصار و امصار هستند.

پاسخ امام رضوان الله عليه به یک شبهه

- . موسوی خمینی، روح الله، تهذیب الأصول (تقریر: سبحانی، جعفر)، ج ۲، ص ۴۱۶.
- . اینکه اخباری‌ها می‌گویند ظهورات قرآنی فقط برای اهل بیت علیهم السلام حجت است با اشکالی که در این بحث از آن گفتگو شد، تفاوت دارد.

تأملی در کلام امام رضوان الله علیه

- تأملی در کلام امام رضوان الله علیه
- ممکن است بگوییم عمل راوی از این باب بوده است که به نظرش ظهور حجت است؛ چه برای مقصود بالإنفهام و چه غیر مقصود بالإنفهام.

تأملی در کلام امام رضوان الله علیه

- پس عمل راوی نشان نمی‌دهد که حضرت می‌خواهد به دیگران هم چیزی را بفهماند، بلکه مقصود حضرت فهماندن مطالب فقط به همان سائل است.
- بنابراین اگر ما مبنای میرزای قمی رضوان الله علیه را بپذیریم و بگوییم سخن فقط برای مقصودین بالافهام حجت است در استفاده از روایات با مشکل مواجه می‌شویم؛ چون نهایت این است که می‌دانیم با آن راوی مقصود بالافهام در احکام مشترکیم؛ ولی نمی‌توانیم بگوییم که حضرت با این بیان قصد مخاطبه با ما و بیان حکم برای ما را هم دارد.

تأملی در کلام امام رضوان الله علیه

- به همین جهت شاید اگر کسی دیگری غیر روای مورد خطاب حضرت بود، شاید توضیحات دیگری را هم بیان می فرمود.

تفاوت بحث اشتراک در حکم با مقصود بالافهام بودن

- تفاوت بحث اشتراک در حکم با مقصود بالافهام بودن
- اشتراک در حکم با مقصود بالافهام بودن متفاوت است. اشتراک در حکم اشتراک در مفاد و محتوا است. مقصود بالافهام بودن مربوط به لفظ است که وسیله فهماندن محتوا است.

تفاوت بحث اشتراک در حکم با مقصود بالإفهام بودن

- چه بسا زید و عمر در حکم مشترک باشند؛ اما گوینده حکم را برای زید بیان می‌کند و در بیان این حکم از روشی استفاده کند که زید حکم را درست بفهمد و عمر حکم را درست نفهمد؛ چون گویند اصلاً نمی‌خواهد این مطلب را برای عمر بیان کند و اگر می‌خواست آن را برای عمر بگوید، باید با عبارت دیگری می‌گفت؛ چون عمر با عبارتی که زید می‌فهمد، آن مطلب را نمی‌فهمد.

تفاوت بحث اشتراک در حکم با مقصود بالافهام بودن

- بنابراین اگر ما نتوانیم ثابت کنیم که سخن ائمه علیهم السلام هم برای مقصود بالافهام و هم غیر مقصود بالافهام حجت است، با صرف این بیان که ما با کسانی که در زمان ائمه علیهم السلام سؤال کردند، در احکام مشترکیم، ثابت نمی‌شود که می‌توانیم از روایات استظهار کنیم؛ چون شاید اگر امام علیه السلام می‌خواستند مفاد این عبارتی را که به زراره فرمودند، به من بگویند با یک بیان دیگری می‌فرمودند؛ چون زراره از آن عبارت چیزی می‌فهمد که من آن را نمی‌فهمم؛

تفاوت بحث اشتراک در حکم با مقصود بالإفهام بودن

- به عبارت دیگر اشتراک در حکم که بین ما و راوی مسلم است، در ناحیه مفاد و معانی این الفاظ شارع است در حالی که بحث ما الآن در این است که آیا ما خودمان می‌توانیم همین مفاد را از این الفاظ برداشت کنیم و به شارع استناد دهیم؛ برای مثال زراره مقصود بالإفهام است و من نیستم. آیا وقتی هر دو این روایت می‌شنویم، من هم مثل زراره می‌توانم از این روایت استظهار کنم؟

پاسخ شهید صدر رضوان الله عليه به تفصیل اول

- پاسخ شهید صدر رضوان الله عليه به تفصیل اول
- شهید صدر رضوان الله عليه فرمودند برای اینکه بینیم که فرقی بین مقصود بالافهام و غیر مقصود بالافهام هست یا نه، باید حالات گوناگونی را در نظر بگیریم:

پاسخ شهید صدر رضوان الله علیه به تفصیل اول

- حالت اول
- **متکلم اصلاً در مقام بیان نیست**، بلکه در صدد اهمال و اجمال است و می خواهد به گونه ای بگوید که مقصودش واضح نشود.
- در این حالت حتی اگر یقین داشته باشیم که متکلم قرینه ای را نیاورده است، همچنان احتمال می دهیم که ظاهر کلام خودش را اراده نکرده است؛ چون او در مقام آوردن قرینه نیست. پس ممکن است واقعاً اراده کرده باشد و در عین حال قرینه ای بر مراد را نیاورده باشد تا مقصودش واضح نشود.

پاسخ شهید صدر رضوان الله عليه به تفصیل اول

- چنین احتمالی هم برای مخاطب این خطاب وجود دارد و هم برای کسی که مخاطب این خطاب نیست. مراد ما از مخاطب کسی است که خطاب به او القاء می‌شود. این فرد ممکن است مقصود بالافهام هم باشد و ممکن است نباشد. کسی که مخاطب نیست نیز گاهی مقصود بالافهام است؛ یعنی در عین حال که در ظاهر گوینده با او صحبت نمی‌کند، قصدش فهماندن به او نیز است؛ مثلاً از باب اینکه به در بگوید تا دیوار بشنود. بنابراین بین مقصود بالافهام بودن و مخاطب بودن، عموم و خصوص من وجه است.

پاسخ شهید صدر رضوان الله علیه به تفصیل اول

- بنابراین این احتمال که متکلم در مقام بیان نباشد و اصلاً بخواهد سخن خودش را مجمل بیان کند، هم درباره مخاطب معنا دارد و هم در مورد غیر مخاطب؛ اما در مورد مقصود بالافهام معنا ندارد که متکلم در مقام بیان نباشد؛ زیرا در مقام بیان نبودن بیش از عدم قصد برای فهماندن نیست. پس همین مقدار که احراز کنیم کسی مقصود بالافهام است، کافی است برای اینکه بگوییم متکلم قصد بیان برای او را دارد.

پاسخ شهید صدر رضوان الله علیه به تفصیل اول

- شهید صدر رضوان الله علیه می فرماید در مقام بیان نبودن متکلم برای این شخص ثالث که مقصود بالافهام نیست، با یک اصل عقلایی نفی می شود و آن اصل این است که هر متکلمی در مقام بیان است. منشأ این اصل همین اقدام متکلم به تکلم است؛ یعنی وقتی که کسی ساکت است و چیزی نمی گوید، معلوم است که نمی خواهد چیزی بیان کند و وقتی از حال سکوت خارج می شود، خود این اقدام به گفتن و خروج از حالت سکوت، از نظر عقلا ظاهر در این است که متکلم در صدد بیان مطلبی و فهماندن مقصودی است؛ زیرا اگر چنین نبود، همچنان سکوت می کرد

پاسخ شهید صدر رضوان الله علیه به تفصیل اول

- خود این ظهور عقلایی مستند به این حکمت است که انسان عاقل حکیم، کار بیهوده و بی جا نمی‌کند. پس عاقل بما هو عاقل وقتی از سکوت خارج می‌شود و اقدام به گفتن می‌کند، نمی‌خواهد همان اخفای قبل از تکلم را حفظ کند؛ چون اگر می‌خواست حفظ کند، سخن نمی‌گفت و این خروجش از تکلم بیهوده است. برای چه سخن می‌گوید در حالی که قصد بیان چیزی را ندارد! در مباحث اطلاق می‌گوییم اصل این است که متکلم در مقام بیان باشد و هر جا شک کنیم که متکلم در مقام بیان است یا نه، به این اصل تمسک می‌کنیم. بنابراین وضعیت مقصود بالافهام و غیر مقصود بالافهام نسبت به احتمال در مقام بیان بودن متکلم یکسان خواهد بود.

پاسخ شهید صدر رضوان الله علیه به تفصیل اول

• حالت دوم

پاسخ شهید صدر رضوان الله علیه به تفصیل اول

- **اینکه متکلم خلاف ظاهر کلام خودش را اراده کرده باشد.** در این فرض بخلاف فرض قبل، متکلم در مقام بیان است؛ اما آنچه را که می خواهد بیان خلاف ظاهر کلامش و چون در مقام بیان است، آن خلاف ظاهر را با یک قرینه منفصلی بیان کرده است؛ مثلاً متکلم گفته است: «أكرم العلما» و احتمال دارد واقعاً وجوب اکرام عالمان عادل را اراده کرده باشد نه همه علما را که مطابق ظاهر کلامش است و چه بسا این مقصود را با یک قرینه منفصل بیان کرده باشد؛ مثلاً قبلاً در جایی گفته است که فاسق از نظر من عالم نیست.

پاسخ شهید صدر رضوان الله علیه به تفصیل اول

- حال اگر ما می دانستیم که این متکلم فاسقان را در زمرة علما به حساب نمی آورد، می فهمیدیم که مقصودش از عالم، عالم عادل است. الآن نمی دانیم او چنین گفته است یا نه و فقط احتمال می دهیم که مقصودش عالمان عادل باشد.
- شهید صدر رضوان الله علیه می فرمایند در این فرض، این شخصی که چنین احتمالی می دهد یا مقصود بالافهام است یا مقصود بالافهام نیست.